زکـــات بـــدن

یک سال قبل از شهادتش در یکی از درگیری های جنوب حلب از ناحیه دست مجروح شد و برای مداوا به بیمارستان نبطیه لبنان انتقال داده شد. آسیب دیدگی عصب دستش در اثر این جراحت باعث از کار افتادن انگشت کوچک دست راستش شد. وقتی خبرش را شنیدم، چون میزان و عمق مجروحیتش را نمی دانستم بسیار نگران بودم و فکر هایی به ذهنم خطور می کرد که از تکرار آن وحشت دارم. بعد که متوجه شدم که فقط انگشتش آسیب دیده، کمی خیالم راحت شد. برای خودش مهم نبود و این جراحت را اصلا جدی نگرفت و می گفت: هر چیزی زکاتی دارد و این زخم زکات بدنم است.

در مسیر مجاهدت در راه خدا و دفاع از حریم اهل بیت (علیه السلام) در روحیه ی او هیچ خدشه ای وارد نشد وعطش و اشتیاقش برای شهادت افزون تر شد. بعد از بهبودی دوباره همراه سایر رزمنده های حزب الله راهی سوریه شد.